

مارسل موس و «رساله‌ی پیشکش» او

زندگی و اندیشه‌ها^۱

مارسل موس (۱۸۷۲ - ۱۹۵۰)، خواهرزاده‌ی امیل دورکیم و برجسته‌ترین شاگرد وی، انسانی توانا با دانشی بی‌نظیر بود که اعتقاداتی راستین و راسخ داشت. پس از مرگ دورکیم، وی چهره‌ای سرشناس در جامعه‌شناسی فرانسه به شمار می‌رفت. آوازه‌ی وی بیشتر مرهون اقبال بلند سالنامه‌ی جامعه‌شناسی بود که وی به دایمی‌اش در تأسیس و به شهرت رساندن آن کمک کرد. برخی از الهام‌بخش‌ترین و بدیع‌ترین آثاری را که در شمارگان نخست این سالنامه به چاپ رسید، او با همکاری دورکیم، اوبر و بیوشا نوشته بود: رساله‌ای در باب ماهیت و کارکرد قربانی (۱۸۹۹)؛ چندین صورت از طبقه‌بندی ابتدایی: مطالعه‌ی بازنمایی‌های جمعی (۱۹۰۳)؛ رساله‌ای در باب نظریه‌ی عمومی جادو (۱۹۰۴)؛ و رساله‌ای در باب تغییرات فصلی جوامع اسکیمو: رساله‌ی ریخت‌شناسی اجتماعی (۱۹۰۶).

دورکیم تحصیل‌کرده‌های نسبتاً جوان و مستعدی را تربیت کرده یا بر آن‌ها تأثیر گذاشته و ایشان را دور خود جمع کرده بود. جنگ سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ - که طی آن موس در سرویس عملیاتی خدمت می‌کرد - تقریباً تمامی آنان را از بین برد؛ از جمله پسر دورکیم، آندره دورکیم، رابرت هرتس، آنتونی بیانکونی، ژورژ ژلی، ماکسیم دیوید، و ژان رنیه. خواست خدا بر این بود. با این وجود، فجایع مانع از آن شد که موس بتواند ثمره‌ی دانش، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، و تسلط خود بر روش‌شناسی را در ابعادی وسیع به ما نشان دهد. او نه تنها مطالبی درباره‌ی همبستگی اجتماعی و روح جمعی نوشت، بلکه آن‌ها را در زندگی شخصی‌اش نیز نشان داد. از نظر او گروه دورکیم و شاگردان و همکاران وی از نوعی ذهن جمعی برخوردار بودند؛ آنچه بازنمایی عینی‌اش سالنامه جامعه‌شناسی بود و اگر کسی نه فقط به خود، که به دیگران تعلق داشته باشد - موضوعی که می‌توان آن را یکی از بن‌مایه‌های کتاب حاضر به شمار آورد - با فدا کردن جاه‌طلبی‌های شخصی در راه منافع مشترک، می‌تواند تعلق خاطرش را به دیگران نشان دهد. در فرصت‌های معدودی که موس را ملاقات کردم، توانستم نحوه‌ی تفکر و احساس وی را در این‌باره درک کنم و اقداماتش نیز این مسأله را تصدیق می‌کرد. او کارهای همکاران فقید خود را ادامه داد. وظیفه‌ی سنگین ویرایش، تکمیل و انتشار دست‌نوشته‌های به جامانده از دورکیم، اوبر، هرتس و دیگران را، با از خودگذشتگی بر عهده گرفت؛ زیرا این کار به معنای رها کردن تحقیقات خودش بود. او حتی کار سنگین‌تر چاپ مجدد مجله‌ی محبوب خود، سالنامه جامعه‌شناسی که انتشار آن پس از ۱۹۱۳ متوقف شده بود را در سال‌های ۱۹۲۳ - ۱۹۲۴ به دست گرفت. این اقدام بار مسئولیت دیگری را بر وی تحمیل و او را هرچه بیشتر از میدان علایق اصلی‌اش دور کرد. موس در همان زمان، در عین حال که جامعه‌شناس بود، محقق زبان سانسکریت و تاریخ‌شناس ادیان نیز به شمار می‌رفت. در طول زندگی، علاقه‌ی اصلی وی مطالعه‌ی تطبیقی ادیان، یا جامعه‌شناسی دین بود. وی معتقد بود که مجموعه‌ی جدید سالنامه، مانند سابق، باید بسیاری از شاخه‌های موجود در تحقیقات جامعه‌شناختی را پوشش دهد و این مهم فقط از این طریق میسر می‌شد که او، به جز علایق شخصی‌اش، موضوعات مورد توجه خاص همکاران فقیدش را نیز دنبال کند. در نتیجه، اگرچه وی مقالات انتقادی فراوانی به چاپ رساند، مهمترین کارهایش مربوط به بعد از سال ۱۹۰۶ است، که

^۱ این مطلب برگرفته از مقدمه‌ی پریچارد بر کتاب «رساله پیشکش» مارسل موس است، و از ترجمه‌ی لیلا اردبیلی از این کتاب نقل شده است.

برای دیدن مروری مفصل‌تر و دقیق‌تر از سیر زندگی و اندیشه‌ی مارسل موس، به فصل اول کتاب ارزشمند «همبستگی اجتماعی و دشمنان آن» نوشته‌ی آرمان ذاکری رجوع نمایید.

عبارت‌اند از رساله‌ای در باب پیشکش: صور و کاربردهای مبادله در جوامع باستانی (۱۹۲۵)؛ بخش‌هایی از یک طرح در جامعه‌شناسی توصیفی (۱۹۳۴)؛ و جلوه‌ای از روح انسان: مفهوم شخص، مفهوم «من» (۱۹۳۸). طرح‌های پژوهشی وی در زمینه‌ی دعا، پول، و دولت هرگز به اتمام نرسید؛ اما او همیشه فعال بود. مجموعه‌ی دوم سالنامه، به اجبار متوقف شد؛ اما مجموعه‌ی سوم آن در سال ۱۹۳۴ به چاپ رسید. بعد از آن، جنگ ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ آغاز شد. پاریس به اشغال نازی‌ها درآمد و موس یهودی بود. او خود صدمه‌ای ندید؛ ولی برخی از نزدیکترین همکاران و دوستانش از جمله موریس هالبواکس و دیگران، کشته شدند. دومین بار بود که موس تمام اطرافیانش را از دست می‌داد. [...]

در کارهای موس، تام واژه‌ای کلیدی است. مبادلات در جوامع باستانی، که موس آن‌ها را بررسی کرده است، تحرکات یا فعالیت‌های اجتماعی تام هستند. این مبادلات، در عین حال که پدیده‌هایی اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، زیباشناختی، مذهبی و اسطوره‌ای‌اند، پدیده‌هایی ریختی-اجتماعی نیز به شمار می‌روند. بنابراین، فقط زمانی می‌توان به معنایشان دست یافت که آن‌ها را واقعیت‌هایی انضمامی و پیچیده در نظر بگیریم و اگر در مطالعه‌ی برخی نهادها، برای تسهیل در کار تحقیق، دست به انتزاع بزنیم، در نهایت، باید آنچه را برای فهم نهاد مورد نظر از آن گرفته‌ایم به آن بازگردانیم. حال، برای رسیدن به فهم نهادها از چه ابزاری می‌توان استفاده کرد؟ اینها همان ابزاری هستند که انسان‌شناسان میدانی به کار می‌گیرند؛ کسانی که زندگی اجتماعی را هم از بیرون و هم از درون مطالعه می‌کنند، از بیرون در جایگاه انسان‌شناس و از درون به کمک همذات‌انگاری با اعضای جامعه‌ی مورد مطالعه‌شان.

در تألیفات موس، همواره مقایسه یا تبیینی غیرصریح بین نهادهای باستانی، که وی به آن‌ها می‌پردازد، و نهادهای ما وجود دارد. او نه تنها از خود می‌پرسد که چگونه می‌توان این نهادهای باستانی را درک کرد، بلکه نکاتی نیز درباره‌ی این مهم متذکر می‌شود که چگونه درک آن‌ها به ما در فهم بهتر جامعه‌ی خود و شاید اصلاح آن کمک خواهد کرد. این موضوع در هیچ کجا واضح‌تر از رساله‌ای که در آن موس، به تأکید و هدفمند زنه‌ار می‌دهد که مبدا نظام اقتصاد فردگرایانه‌ای را جانشین نظامی کنیم که در آن مبادله‌ی کالاها امری مکانیکی نیست، بلکه تراکنشی اخلاقی است و رابطه‌ای انسانی و شخصی را بین افراد و گروه‌ها ایجاد و حفظ می‌کند، دل خوش کنیم. او یادآوریمان می‌شود که چه چیز از دست داده‌ایم و در عوض، چه چیز به دست آورده‌ایم. ما قراردادهای اجتماعی خود را مسلم فرض می‌کنیم و به ندرت به این می‌اندیشیم که آن‌ها تا چه اندازه تازه تأسیس هستند و تا چه حد ناپایداریشان آشکار است.

درباره‌ی «رساله‌ی پیشکش»^۲

بی‌اغراق همه‌ی آثاری که تاکنون درباره‌ی مارسل موس و شرح اندیشه‌های او منتشر شده‌اند از رساله‌ی پیشکش به عنوان اثری تأثیرگذار و مهم یاد می‌کنند که در آن می‌توان نبوغ موس در تحلیل و تبیین واقعیت‌های اجتماعی را مشاهده کرد؛ در واقع یکی از جنبه‌های پراهمیت این رساله که کسانی چون لوی استراوس را بر آن می‌دارد تا خواندن آن را بر هر دانشجوی انسان‌شناسی واجب بدانند، آن است که این کتاب اولین اثر در تاریخ قوم‌نگاری بوده که تلاش کرده است از مشاهدات تجربی فراتر رود و از خلال آن به واقعیت بنیادین جوامع امروزی دست یابد.

^۲ برگرفته از مقدمه‌ی مترجم بر کتاب «رساله پیشکش»، نوشته‌ی مارسل موس، ترجمه لیلای اردبیلی، نشر علمی فرهنگی.

از آنجا که موس یکی از پیشروان مکتب انسان‌شناسی تطوری است، در این رساله به دنبال آن است تا با نگاهی در زمانی به پدیده‌ی مبادله نظر افکند و نشان دهد مبادلاتی که در زندگی روزمره جوامع کنونی رنگ و بویی کاملاً اقتصادی به خود گرفته‌اند، در عمل شکل تغییر یافته صورت‌هایی هستند که در شکل ابتدایی خود به هیچ وجه تا به این درجه [یا به این معنا] اقتصادی نبوده‌اند. اگر قائل بر وجود مفهوم «انسان اقتصادی» باشیم، از نظر موس این مفهوم «هنوز پیش روی ماست» و به تازگی است که انسان دارد «به ماشینی حسابگر» تبدیل می‌شود.

موس اظهار می‌دارد که انسان‌ها هنوز از محاسبات صرفاً سودجویانه به دورند و ... در جوامع امروزی نیز هنوز می‌توان شاهد شیوه‌هایی از مصرف و مبادله بود که صرفاً جنبه اقتصادی و منفعت‌طلبی ندارند.

وی بر این عقیده است که مبادله‌ی پیشکش یکی از «بنیادهای زندگی اجتماعی» در میان اقوام ابتدایی است و پژوهشگر می‌تواند از طریق مطالعه‌ی این پدیده در جوامع بدوی برخی از «معضلات اخلاقی» در بحران اقتصادی جوامع معاصر را تحلیل کند.

به این ترتیب، موس در رساله‌ی پیشکش با مطالعه‌ی مبادله در اقوام بدوی سعی می‌کند خوانشی جدید از حق بیمه‌ی اجتماعی ارائه دهد. وی معتقد است که کارگر حاصل زندگی خود را به کارفرما و جامعه می‌بخشد و دولت، که نماینده‌ی جامعه است، به ازای بیکاری، بیماری و سالمندی حد معینی از تأمین امنیت را به او بدهکار خواهد بود. همچنین وی اعلام می‌دارد جامعه‌ای که به دنبال حفاظت از فرد به عنوان «سلول اجتماعی» است و قصد دارد که احساسات موجود در قوانین را با احساسات ناب‌تری چون نیکوکاری، تعاون و انسجام اجتماعی در هم بیامیزد، باید به مضمون ارائه و جبران پیشکش و «سخاوت دوسویه» توجه کند؛ از این روست که گفته می‌شود رساله‌ی پیشکش بر نظریه‌های مطرح در حوزه‌ی انسان‌شناسی اقتصادی تأثیر بسزایی داشته است.

یکی از دغدغه‌های موس در انجام این پژوهش، چگونگی رسیدن یک جامعه به انسجام اجتماعی است، و این دغدغه برای کسی که کل دوران زندگی‌اش در بین دو جنگ بزرگ جهانی قرار داشته است، چندان دور از انتظار نیست.

موس از دورکیم آموخته بود که انسجام اجتماعی فقط با توجه به جنبه‌های سیاسی قابل بررسی نیست و راز برقراری انسجام اجتماعی در ارتباط دوجانبه‌ای است که برای حفظ روابط صورت می‌گیرد و داد و ستد پیشکش یکی از تجلیات حفظ این ارتباط دوسویه است. از آنجا که موس معتقد است نظم اجتماعی در سایه‌ی وفاقی که از این رهگذر حاصل می‌شود امکان‌پذیر خواهد بود، در این رساله مسئله‌ی انسجام اجتماعی را از منظر داد و ستدهای بین‌فردی و جمعی بررسی می‌کند.

موس مانند مالینوفسکی هرگز قصد نداشته است که پدیده مبادله را در جوامع ابتدایی قوم‌نگاری کند، بلکه همان‌طور که از فصل پایانی کتاب نیز برمی‌آید، هدف وی از این بررسی‌ها رسیدن به خوانشی «تام» از پدیده‌ی مبادله در همه‌ی جوامع و دلالت‌های معنایی و پیامد های عملی این پدیده در تمام جوامع، به خصوص در جوامع مدرن، است.

موضوع دیگری که بر ارزش رساله‌ی پیشکش افزوده طرح مقوله‌ی «تامیت» است. از نظر موس در یک پدیده‌ی اجتماعی می‌توان ردپایی از همه‌ی [مقولات و] نهادهای مذهبی، حقوقی، اخلاقی و اقتصادی را مشاهده کرد و از این روست که وی پدیده‌های اجتماعی را «پدیده های تام» می‌نامد. موس در مقدمه‌ی خود می‌گوید که در همه‌ی جوامع و با وضوح بیشتر در جوامع ابتدایی، پدیده‌های اجتماعی همچون

تار و پود یک بافت، به لحاظ اجتماعی درهم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند و با آنکه محققان در تحلیل‌های خود ناگزیرند دست به تقسیم‌بندی و انتزاع پدیده‌ها بزنند، در عین حال از بازسازی مجدد کلیت پدیده و قرار دادن آن در بافت ملموس نباید غافل باشند، «اقدامی که هم جالب توجه و هم دارای قدرت تبیینی بالایی در تحلیل امر جامعه‌شناختی است». در واقع مسئله‌ی تام به محقق این امکان را می‌دهد که امر اجتماعی را به عنوان امر واقع، نه انتزاعی و با توجه به همه‌ی جنبه‌های مسئله بررسی کند و پدیده اجتماعی فقط زمانی واقعی است که در ارتباط با یک نظام قرار گیرد، و این اولین جنبه از مفهوم واقعیت تام است، که من استعلایی انسان‌شناس را برای درک واقعیت اجتماعی تجهیز می‌کند.

موس معتقد است که کار انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تولید انتزاع نیست، بلکه «مشاهده‌ی جهان داده شده است» و این جهان داده شده می‌تواند «روم، آتن، یک مرد فرانسوی معمولی، یا یکی از قبایل ملانزیایی باشد». موس این نوع نگاه را در مصاحبه‌ای با مجله‌ی انجمن روان‌شناسی به خوبی بیان می‌کند: «اکنون، ما جامعه‌شناسان... با... انسان تام که متشکل از بدن، خودآگاهی فردی، و آن بخش از خودآگاهی که از آگاهی جمعی نشئت می‌گیرد سر و کار داریم... آنچه ما دریافته‌ایم آن است که انسان بدن و روحی است که در زمان و مکان و جامعه‌ای معین زندگی می‌کند».

به این ترتیب، موس معتقد است که در پایان مطالعات، محقق باید همه چیز را با هم «ترکیب» کند، زیرا در پدیده‌های اجتماعی «بدن، روح و جامعه» با هم ادغام می‌شوند. وی اذعان می‌کند که پدیده‌هایی چون پیشکش جزء پدیده‌های تام هستند، زیرا در آن نه تنها نمایندگان یک گروه بلکه همه‌ی افراد، با توجه به انسجام اخلاقی، اجتماعی، ذهنی و از همه مهمتر انسجام مادی خود، حضور می‌یابند. همان‌طور که موس اشاره می‌کند، توجه به امر تام اجتماعی در تحقیق دو مزیت دارد: یکی از این مزایا «عام بودن» آن است، زیرا واقعیت‌های رایج در نهادها به احتمال قوی پدیده‌هایی جهان شمول‌اند که رنگ و بویی محلی به خود گرفته‌اند و مزیت دیگر «واقع‌گرایی» آن است، زیرا امر تام به ما امکان می‌دهد که واقعیت اجتماعی را به طور کامل ببینیم و از آن طریق خود را از «وادی تجرید» بیرون بکشیم. به این ترتیب، موس مطالعه‌ی امر تام را به مثابه پاسخی به انتقاد تاریخ‌دانان می‌داند که جامعه‌شناسان را متهم به انتزاع بیش از اندازه و تفکیک عناصر متنوع جامعه از هم می‌کنند.

کوشش موس در مطالعه‌ی امر تام در رساله‌ی پیشکش به وی امکان می‌دهد که با گذر از «تدلّیس اجتماعی» نهفته در مبادله، توجه خواننده را به صور اقتصادی، سخاوت و رقابت اجتماعی - سیاسی معطوف کند و به خوبی نشان دهد که برای درک پدیده‌ی مبادله در جوامع ابتدایی تنها باید آن را به صورت پدیده‌ای تام در نظر گرفت. تأمّیتی، مبادله را از صورتی صرفاً اقتصادی و معطوف به سود، به امری اجتماعی تبدیل می‌کند.

موس معتقد است بسیاری از «معضلات اخلاقی» جامعه‌ی مدرن را می‌توان با توجه به مسئله‌ی الزام و خودانگیختگی در اهدای پیشکش و جبران آن از بین برد و نیز بر این باور است که راه‌گریز از عقلانیتِ آهنین قوانین مدرن «رجعت به گذشته» و تأثیرگیری از «اصول عهد باستان» است.

آنچه موس درباره‌ی نظریه‌ی صدقه و تبیین آن در این رساله ارائه می‌دهد نیز بسیار جالب توجه است. از نظر وی، صدقه «نتیجه‌ی اندیشه‌ی اخلاقی [- هستی‌شناختی - اجتماعی] درباره‌ی دارایی‌هاست» موس دلیل سخاوت نهفته در صدقه را این موضوع می‌داند که اگر فرد از دادن صدقه کوتاهی کند، آنگاه «الهه‌ی انتقام از ثروت و خوشبختی مفرط فرد ثروتمند با دادن آن‌ها به فقیران و خدایان انتقام خواهد گرفت». این ایده یکی از اندیشه‌های محوری موس در نگارش رساله‌ی قربانی نیز به حساب می‌آید. ایده‌ای که من را به صرافت انداخت تا رساله‌ی قربانی را نیز ترجمه کنم. این رساله به بررسی پدیده‌ی قربانی به منزله‌ی پدیده‌ای اجتماعی می‌پردازد؛ پدیده‌ای که جای تحلیل و تدقیق آن به عنوان امری تام در جهان اسلام به طور عام و جامعه ما به طور خاص نیز خالی است.